

بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای سودآوری

سید علی آل علی^{۱*}، مریم خدری^۲

^۱ عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای سودآوری بوده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چند متغیره بهره‌گیری شده است. بدین منظور از اطلاعات ۱۸۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که به صورت حذف سامانمند انتخاب گردیده‌اند، در یک دوره زمانی ۹ ساله در بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ استفاده شده است. در پژوهش حاضر از دو معیار مالکیت نهادی و اندازه کمیته حسابرسی به عنوان ویژگی‌های حاکمیت شرکتی استفاده شده است. پس از انجام تجزیه و تحلیل‌های آماری، نتایج نشان داد که مالکیت نهادی و اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر منفی و معناداری دارند. همچنین نتایج پژوهش مؤید این موضوع است که سودآوری تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. در نهایت نتایج پژوهش بیانگر تأیید نقش واسطه‌ای سودآوری در رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی، سودآوری

۱- مقدمه

مالیات یک نوع هزینه است که افراد جامعه آن را برای بهره‌مندی از امکانات، منابع، خدمات عمومی، تضمین امنیت و دفاع همگانی، عمران و آبادانی یک کشور به دولت خود پرداخت می‌کنند، دولت نیز مالیات را در راستای تامین نیازهای عمومی افراد جامعه مانند تامین امنیت، بهداشت، درمان، آموزش و... مصرف می‌کند. پرداخت مالیات اجباری و بلاعوض است. افراد جامعه مالیات را به تناسب در آمد و ثروت خود و با توجه به نرخ مالیاتی که دولت تعیین می‌کند پرداخت می‌کنند. وضع مالیات از سمت دولت است و بنا به اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود؛ بنابراین با توجه به اهمیت مالیات که بعنوان ابزاری برای توزیع ثروت در جامعه و کاهش اختلاف طبقاتی نیز می‌تواند استفاده شود، شناسایی عوامل موثر بر کاهش درآمدهای مالیاتی دارای اهمیت شایانی می‌باشد.

راهبری شرکتی و ساز و کارهای حاکمیت شرکتی عاملی موثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکت هاست (فخری و همکاران، ۱۳۹۸؛ عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۹). حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کنند (پوهان^۱، ۲۰۱۹). در نتیجه می‌توان انتظار داشت ضمن رعایت حقوق کلیه ذینفعان از جمله دولت، اجتناب مالیاتی نیز در این شرکت‌ها کمتر شود (چایز و همکاران^۲، ۲۰۱۴). همچنین حاکمیت شرکتی نسبت به حفاظت از حقوق نمایندگان و مالکان و کاهش هزینه‌های نمایندگی اقدام می‌نماید (سونارتا و همکاران، ۲۰۲۱).

نتایج پژوهش (گاه و همکاران^۳، ۲۰۱۹) ثابت می‌کند که سودآوری بالا به طور فزاینده‌ای تعهدات مالیاتی آن را آشکار می‌کند. سودآوری عملکرد مالی یک شرکت را در مدیریت دارایی‌هایش، یعنی بازده دارایی‌ها توصیف می‌کند که انتظار می‌رود بر اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارد (کورنیش و ساری^۴، ۲۰۱۳). سودآوری بالای شرکت‌ها موجب خواهد داشت تا فرصت بیشتری برای انجام برنامه‌ریزی مالیاتی داشته باشند. همچنین هر چه بدهی شرکت بیشتر باشد، هزینه بهره نیز بیشتر است. با این هزینه بهره می‌تواند بار مالیاتی شرکت را کاهش دهد. هرچه شرکت بزرگتر باشد، فرصت بیشتری برای استفاده از قوانینی دارد که می‌تواند برای شرکت مفید باشد و اجتناب مالیاتی آن افزایش خواهد یافت (هریرا^۵، ۲۰۲۱). هر چه بازده دارایی‌ها بیشتر باشد، سود شرکت بیشتر می‌شود. با افزایش مقیاس سود یک شرکت، مالیات شرکت نیز افزایش می‌یابد، از این رو این احتمال وجود دارد که شرکت به دنبال اقدامات اجتناب از مالیات برای جلوگیری از افزایش بدهی مالیاتی باشد. بر اساس تئوری نمایندگی، هدف مدیران کنترل هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها خواهد بود تا از کاهش سود که موجب کاهش پاداش ایشان می‌گردد جلوگیری نمایند. شرکت‌ها می‌توانند به طور موثر دارایی‌های خود را مدیریت کنند تا بتوانند از معافیت‌های مالیاتی و سایر مزایای مالیاتی استفاده کنند و این تصور را ایجاد کنند که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند (آریاتاما و راهارجا، ۲۰۲۱). به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. به تازگی اجتناب از پرداخت مالیات بدلیل پیامدهای اقتصادی فراوان، توجه بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی و عملی را به خود معطوف کرده و تحقیقات زیادی در مورد عوامل درون سازمانی و برون سازمانی موثر بر اجتناب از پرداخت مالیات انجام شده است. شناسایی مولفه‌های موثر بر اجتناب از

¹ - Pohan

² - Chayse et al

³ Goh et al

⁴ Kurniasih and Sari

⁵ Heriyah

مالیات، می‌تواند سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را در تدوین قوانین مالیاتی مناسب یاری رساند. همچنین بررسی این موضوع می‌تواند نحوه اجرایی شدن قوانین مالیاتی را نیز روشن سازد. افزون بر این، بر طبق پژوهش‌های صورت پذیرفته سودهای اعلام شده توسط شرکت‌ها دارای محتوای اطلاعاتی بالایی است. هزینه مالیات متحمله توسط شرکت‌ها، مبالغ با اهمیتی می‌باشد که در نهایت سبب تغییر در سود خالص می‌شود. از این رو بررسی عوامل موثر بر هزینه مالیات حائز اهمیت می‌باشد. همچنین انظار می‌رود شرکت‌ها با توجه به نظام راهبری شرکتی و حاکمیت شرکتی دارای عملکرد متفاوت و سطح نظارت مختلف بر رفتار مدیران باشند؛ بنابراین حاکمیت شرکتی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کنترلی موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی گردیده و بر اجتناب از مالیات شرکت تاثیرگذار باشد که این موضوع در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. اهدافی که در این مقاله در نظر گرفته شده است در دو بخش هدف‌های علمی و هدف‌های کاربردی به شرح زیر است:

تعیین تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
تعیین نقش واسطه‌ای سودآوری در تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
اهداف فرعی:

تعیین تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
تعیین تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
تعیین تأثیر سودآوری بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
تعیین نقش واسطه‌ای سودآوری در تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران
تعیین نقش واسطه‌ای سودآوری در تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

مبانی نظری

اجتناب از مالیات^۶: اجتناب مالیاتی به معنای صرفه جویی مالیاتی ناشی از کاهش مالیات پرداختی عمومی است که گاهی اوقات قانونی بودن آن مورد تردید بوده و به مفهوم تعداد معاملات برای به حداقل رساندن بدهی‌های مالیاتی به شمار می‌آید (عزتی و همکاران، ۱۴۰۰:۱).

سودآوری^۷: سودآوری یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها محسوب می‌شود که بیانگر میزان موفقیت شرکت در استفاده از منابع در دسترس در راستای ایجاد ارزش برای سهامداران می‌باشد (پورعبداله‌یان تهرانی و همکاران، ۱۴۰۰:۴۸۷).

حاکمیت شرکتی^۸: حاکمیت شرکتی معمولاً در قالب مجموعه‌ای از سازوکارهای طراحی شده به منظور کاهش مشکلات نمایندگی میان سهامداران و مدیران به دلیل تفکیک مالکیت و کنترل تعریف می‌شود که در سطح وسیع، ساز و کارهای داخلی

^۶ - Tax avoidance

^۷ - Profitability

^۸ - Corporate Governance

(همچون نقش، ساختار و انگیزه های هیئت مدیره، ساختار سرمایه و ...) و سازوکارهای خارجی (همچون قوانین و مقررات، بازار سرمایه، بازار محصول و ...) را شامل می شود (قاسمی پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۳۷).

تفاوت اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی

فرار از مالیات یک واژه کلی برای تلاش های افراد حقیقی، شرکت ها، سازمان ها، اتحادیه ها و غیره برای پرداختن مالیات به صورت غیرقانونی است. فرار مالیاتی یعنی مودی مالیات به صورت عمدی صورت های مالی و اطلاعات درست را پنهان کند یا گزارش های مالی را به صورت نادرست به مقام مالیاتی برای کاهش بدهی مالیاتی ارائه نماید. هر روش غیرقانونی که باعث کاهش بدهی مالیاتی شود فرار مالیاتی محسوب می شود. پنهان کردن درآمد یا اظهار آن کمتر از واقعیت، اظهار بیشتر از واقعیت هزینه ها، تحریف مقادیر و نقض قوانین از جمله راه های فرار از مالیات محسوب می شوند (اگراوال، ۲۰۰۷).

فرار مالیاتی به معنای هر نوع اقدام غیرقانونی برای پرداختن مالیات است که منتج به اقتصاد زیرزمینی، قاچاق، گسترش فساد مالی و اداری، کاهش رقابت اقتصادی و رشد رانت ها می شود. با وجود این، پدیده دیگری نیز با عنوان «خودداری مالیاتی» نیز وجود دارد که اساساً یک عمل غیرقانونی محسوب نمی شود بلکه تنها استفاده از خلاءهای قانونی برای پرداختن مالیات است، در خودداری مالیاتی، مودی مالیاتی با درک عمیق قانونی، می داند ظرایف یا به اصطلاح «شکاف های» قانون کجاست. فرار مالیاتی به عنوان یکی از مصادیق و مظاهر فساد اقتصادی، امنیت اقتصادی مورد نیاز برای گسترش فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری را دچار اختلال می کند. از این رو، اصلاح و تجدید نظر در نظام مالیاتی کشور به ویژه نظام کیفری مالیاتی به منظور بهبود وضعیت اقتصاد ملی امری ضروری و لازم به شمار می آید. برخورداری از قوانین کیفری منسجم و جامع در حوزه حمایت از قوانین مالیاتی به موازات فرهنگ سازی و بهره گیری از ساز و کارهای غیرکیفری می تواند نقش قابل توجهی را در افزایش درآمدهای مالیاتی ایفا نماید. همچنین وجود قوانین کیفری روشن و شفاف باعث می شود مردم با اطمینان بیشتر در فعالیت های اقتصادی وارد شوند و در عین حال در پرداخت بخشی از درآمد حاصل از فعالیت های اقتصادی خود به عنوان مالیات مشارکت گسترده تری بنمایند (سایت امور مالیاتی کشور).

جدول ۱- تفاوت های اجتناب مالیاتی با برنامه ریزی مالیاتی و فرار از مالیات

تفاوت بین برنامه ریزی مالیاتی و اجتناب از مالیات	
هدف برنامه ریزی مالیاتی کاهش بدهی مالیاتی طبق قوانین در شکل و محتوا است.	هدف اجتناب از مالیات و کاهش بدهی مالیاتی طبق قوانین در شکل و محتوا است ولی در محتوا نیست.
برنامه ریزی مالیاتی به وسیله بکارگیری مزایای ماده های مفید در قوانین انجام می شود.	اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام می شود.
در برنامه ریزی مالیاتی حسن نیت وجود دارد.	در اجتناب از مالیات سوء نیت وجود دارد.
تفاوت بین فرار از مالیات و اجتناب از مالیات	
فرار از مالیات از یک روش غیرقانونی برای کاهش مالیات استفاده می کند.	اجتناب از مالیات از یک روش قانونی برای کاهش مالیات استفاده می کند.
فرار از مالیات به وسیله بکارگیری روش های غیرمنصفانه انجام می شود.	اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام می شود.

فرار از مالیات یک روش غیرقانونی است و ممکن است منجر به مجازات شود.	اجتناب از مالیات با سوءنیت همراه است، اما طبق قوانین انجام می‌شود و مجازاتی به دنبال ندارد.
فرار از مالیات یک تقلب آشکار است و بعد از اینکه بدهی مالیاتی افزایش یابد انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات مشابه برنامه‌ریزی مالیاتی است و قبل از افزایش بدهی مالیاتی انجام می‌شود.

منبع: اگراوال^۹، ۲۰۰۷: ص ۹

مفهوم سرمایه‌گذاران نهادی و تحلیل نقش نظارتی آنها

مطابق با تعریف بوش^{۱۰} (۱۹۹۸) سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند. عموماً این گونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار و رویه‌های شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی که این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، نشأت می‌گیرد (ولوری و جنکینز^{۱۱}، ۲۰۰۶).

نقش مالکان نهادی و ارتباط آنها با کیفیت سود شرکت‌های تحت تملکشان (شامل محافظه کاری سود) مبهم و ناشناخته است. از حیث تئوری، نهادها ممکن است انگیزه‌هایی برای نظارت فعال بر مدیریت داشته باشند (پوند^{۱۲}، ۱۹۸۸؛ شلیفر و ویشنی^{۱۳}، ۱۹۸۶). از جمله این انگیزه‌ها، آن است که به دلیل حجم ثروت سرمایه‌گذاری شده، نهادها احتمالاً سرمایه‌گذاری خود را به طور فعال مدیریت می‌کنند. حساس یگانه، مرادی و اسکندر (۱۳۸۷) نشان دادند که سرمایه‌گذاران نهادی، ناظرانی فعال بر تصمیمات و رویه‌های اتخاذ شده از سوی مدیریت هستند و توان تنبیه مدیرانی را که در جهت منافعشان حرکت نمی‌کنند نیز دارا هستند. ماگ^{۱۴} (۱۹۹۸) به این نتیجه رسید که استفاده سرمایه‌گذاران نهادی از توانایی‌هایشان برای نظارت بر مدیریت، تابعی از میزان سرمایه‌گذاری آنهاست. هرچه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، نظارت بر مدیریت بهتر انجام می‌شود و این یک ارتباط مستقیم است.

نظریه‌های مرتبط با سهامداران نهادی

موضوع سهامداران نهادی، از دو نظر قابل طرح است: ۱. مفهوم نظارت کارآمد و ۲. مفهوم همگرایی منافع. این دو مفهوم در توجیه نتایج به دست آمده از تحقیقات زیادی است که در مورد سهامداران نهادی انجام شده است؛ به گونه‌ای که از منظر نظارت کارآمد، وجود سهامداران نهادی به استقرار نظام حاکمیت شرکتی منجر شده، و از هزینه نمایندگی می‌کاهد. درضمن، کاهش نوسان پذیری بازده سهام و فرض وجود رابطه معکوس بین سهامداران نهادی و نوسان پذیری قابل درک است (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹). کرنر و همکاران (۲۰۰۷) مالکیت بیشتر سهام را یکی از عوامل نظارت موثرتر سرمایه‌گذاران نهادی بر شرکت‌ها دانستند. سرمایه‌گذاران نهادی با مالکیت سهام بیشتر، از انگیزه، منابع، فرصت و توانایی لازم برای نظارت بر مدیران

⁹ - Egraval

¹⁰ - Bushee

¹¹ - Velury & Jenkins

¹² - Pound

¹³ - Shleifer & Vishny

¹⁴ - Maug, E

برخوردار می‌شوند؛ زیرا آنان هم می‌توانند بر مدیریت شرکت نفوذی چشمگیر داشته باشند و هم می‌توانند منافع گروه سهامداران را همسو کنند که این امر، از فعالیت‌های نظارتی که سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، نشات می‌گیرد. (گل ارضی و زنگوری، ۱۳۹۲). این تفکر و نگاه سنتی که توزیع مالکیت سهام شرکت اثری بر ارزش شرکت ندارد، توسط مطالعات جنس و مکلینگ به چالش کشیده شد. این مطالعات پیش بینی کردند که ارزش شرکت تابعی از چگونگی تخصیص سهام بین افراد درونی (نظیر مدیران) و بیرونی (نظیر سهامداران نهادی) شرکت است. ساختار مالکیت که روزگاری برل و مینز (۱۹۳۲) به خاطر «پراکندگی مالکیت» به آن انتقاد کردند، اخیراً متمرکز شده است (باقرآبادی و دادبه، ۱۳۹۳). در ادبیات حاکمیت شرکتی، دو نگرش در مورد سرمایه‌گذاران نهادی وجود دارد. فرضیه نظارت کارآمد بیان می‌کند که با سرمایه‌گذاری بیشتر سهامداران نهادی، نظارت کارآتری توسط آنها اعمال می‌شود و فرضیه همگرایی منافع، اختلافات عقیده و مشاجرات نمایندگی به احتمال قوی برطرف می‌گردد. در مقابل بیان می‌دارد که سهامداران نهادی بزرگ، اتحاد و پیوستگی استراتژیکی با مدیریت دارند (چانگ و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۲).

فرضیه نظارت فعال

مالکیت نهادی، عبارت است از: مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی (روبین^{۱۶}، ۲۰۰۷؛ کاتودیگو^{۱۷}، ۲۰۰۹). در این ارتباط، طبق فرضیه نظارت فعال، مالکان نهادی، سرمایه‌گذارانی با نگرش درازمدت هستند که انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت فعالانه بر عملکرد مدیر را دارند (بروس و کینی^{۱۸}، ۱۹۹۴). آن‌ها اقدامات مدیر را به صورت فعال بررسی کرده و از انجام کارهایی جلوگیری می‌کنند که در آن منافع مدیر دنبال می‌شود؛ بنابراین، این فرضیه بیانگر این است که سهامداران نهادی به منظور افزایش ارزش شرکت، مدیران را به اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری درازمدت ترغیب می‌کنند (پترا^{۱۹}، ۲۰۰۷). در نتیجه، براساس این فرضیه وجود سهامداران نهادی برای کل شرکت، ارزش آفرین است. طرفداران فرضیه نظارت فعال در تائید فرضیه خود دو دلیل زیر را ذکر می‌کنند:

الف. اگرچه سهامداران بزرگ اختیار فروش سرمایه‌گذاری‌های خود را دارند اما بزرگی اندازه سرمایه آن‌ها به حدی است که سهام در اختیارشان بدون تحت تأثیر قرار دادن قیمت سهام و کاهش ارزش آن قابل فروش نیست؛ بنابراین، آن‌ها مجبورند راهبرد درازمدتی را بپذیرند و این موضوع موجب انگیزه بیشتر آن‌ها برای نظارت فعالانه بر عملکرد مدیر می‌شود.

ب. مالکان نهادی، نسبت به سهامداران کوچک توانایی بالاتری برای ارزیابی دقیق تر و کارا تر صورت‌های مالی دارند؛ زیرا، بیشتر آن‌ها از مالکان سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ هستند که امکانات بیش تری را در اختیار دارند (حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، سهامداران نهادی دارای انگیزه کافی برای کنترل فعالیت‌های مدیریت و هیات مدیره هستند. چنین نظارتی احتمالاً موجب تقلیل مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت می‌شود. با کاهش مشکلات نمایندگی، منافع مدیران و سهامداران از همسویی بیشتری برخوردار می‌شود و مدیران قبل از تاریخ اعلام سود شرکت، اطلاعات بیشتری را

¹⁵ - Chung et al

¹⁶ - Rubin

¹⁷ - Cueto Diego

¹⁸ - Brous & Kini

¹⁹ - Petra

منتشر می‌کنند. افزون بر این، به دلیل توجه بیشتر تحلیل گران مالی به شرکت‌هایی که به وسیله سهامداران نهادی کنترل می‌شود، انگیزه مدیران برای افشاء به موقع تر اطلاعات افزایش می‌یابد (پترا، ۲۰۰۷).

فرضیه منافع شخصی

فرضیه منافع شخصی بیان می‌کند که احتمال زیادی وجود دارد که سرمایه‌گذاران بزرگ از منافع خاصی، مانند دسترسی به اطلاعات محرمانه که می‌تواند به منظور هدف‌های معاملاتی استفاده شود، به منظور رسیدن به هدف‌های خود بهره ببرند (کیم^{۲۰}، ۱۹۹۳)؛ به عبارت دیگر، سهامداران نهادی با استفاده از قدرت خود و فشار بر مدیریت، اقداماتی را برای منافع شخصی خود انجام می‌دهند؛ بنابراین، براساس این فرضیه همیشه نمی‌توان وجود سهامداران نهادی را نقطه قوت برای رسیدن به ارزش‌های بالاتر برای کل شرکت دانست؛ بلکه، این سرمایه‌گذاران اقدامات و نظارت‌های خود را در راستای رسیدن به هدف‌های مورد نظر خود سازماندهی می‌کنند که ممکن است در بعضی موارد با منافع با دیگر ذینفعان در تضاد باشد.

فرضیه پیوستگی راهبردی

فرضیه پیوستگی راهبردی بر همکاری متقابل سهامداران نهادی و مدیران برای حل مشکلات تاکید می‌کند. براساس این فرضیه همکاری سهامداران نهادی و مدیران شرکت منافی را برای هر دو ایجاد می‌کند و این همکاری باعث کاهش نظارت می‌شود (جان و کون^{۲۱}، ۲۰۰۲). براساس فرضیه پیوستگی راهبردی، سهامداران نهادی و مدیران، همکاری و تبانی دو جانبه را به نفع یکدیگر می‌بینند و این همکاری، نظارت بر مدیران را کاهش می‌دهد. در نتیجه، بر درک سایر سهامداران در مورد کیفیت سود، تأثیر منفی دارد. چرا که سایر سهامداران رابطه نزدیک بین مدیران و سهامداران نهادی را به زیان خود قلمداد می‌کنند (پوند^{۲۲}، ۱۹۸۸). هم چنین، این فرضیه بیانگر این است که روابط مستمر با سهامداران نهادی منجر به فشار برای اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت به وسیله مدیران شرکت می‌شود که این تصمیم‌ها به معنای تمرکز منابع شرکت بر سود کوتاه مدت در مقابل پروژه‌های سرمایه‌گذاری بیشینه کننده ارزش شرکت در دراز مدت است. به بیان دیگر، حضور سرمایه‌گذاران نهادی موجب تمرکز بر سود دوره جاری و افزایش احتمال دست کاری سود به وسیله مدیران می‌شود (پترا^{۲۳}، ۲۰۰۷).

کمیته حسابرسی

جایگاه کمیته‌ی حسابرسی در نظام راهبری شرکتی اثر بخش و ضرورت وجود آن جهت نظارت بر فعالیت‌های سازمان در میان صاحب نظران حرفه‌ای و دانشگاهی مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به گستره‌ی وظایف هیأت مدیره به خصوص در کسب و کارهای بزرگ و سازمان‌های چند ملیتی، نظارت مستقیم بر تمامی جنبه‌ها در عمل امکان پذیر نیست. به همین دلیل، هیأت مدیره با تشکیل کمیته‌های فرعی و تفویض اختیارات خود، تلاش می‌کند تا مدیریتی اثربخش داشته و ارزش سازمان را افزایش دهد. تشکیل کمیته‌ی حسابرسی به هیأت مدیره کمک می‌کند تا مسئولیت خود نسبت به فرآیندها و فعالیت‌های مالی از قبیل

²⁰ - Kim

²¹ - Jan & Kwon

²² - Pound

²³ - Petra

گزارشگری، نظارت بر کنترل‌های داخلی و نظارت بر رعایت قوانین را به خوبی ایفا کرده و از صحت اطلاعات منتشر شده اطمینان حاصل کند (محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳).

سودآوری

اصطلاح سود یکی از غیرثابت‌ترین مفاهیم در دنیای تجارت می‌باشد. احتمالاً حسابداری آن قدر توسعه نخواهد یافت که بتواند سود را به‌گونه‌ای تعریف نماید که بتواند مورد قبول همه واقع شود. در میان تعاریف گوناگونی که تاکنون برای سود مطرح گردیده، تعریف ذیل یکی از جامع‌ترین آنان است. سود از تغییر در حقوق صاحبان سهام یا تغییر در خالص دارایی‌های یک واحد تجاری طی یک دوره مالی ناشی می‌گردد، به بیان دقیق‌تر، سود برآیند کلیه تغییرات در حقوق صاحبان سرمایه طی یک دوره مالی، به‌استثنای تغییرات ناشی از سرمایه‌گذاری توسط صاحبان و توزیع منابع بین آنان است (عالی و، ۱۳۸۴).

پژوهش‌های خارجی

پراتاما و همکاران^{۲۴} (۲۰۲۲) به پژوهشی با عنوان «اجتناب مالیاتی و خوانایی گزارشگری مالی: شواهد تجربی از اندونزی» پرداختند. این پژوهش با استفاده از اطلاعات ۲۷۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اندونزی در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ و بکارگیری الگوی رگرسیون چند متغیره صورت پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی وجود دارد، خوانایی گزارشگری مالی در مقایسه با سایر شرکت‌ها پایین‌تر می‌باشد.

سونارتو و همکاران (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان «تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی: نقش واسطه‌ای سودآوری» پرداختند. ایشان در پژوهش خود با استفاده از اطلاعات ۲۰۹ شرکت فعال در بورس اندونزی در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ نسبت به آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که ساختار مالکیت بر سودآوری تأثیر نمی‌گذارد. همچنین سودآوری نیز بر اجتناب از مالیات تأثیری نداشت. به علاوه یافته‌ها نشان داد که مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات تأثیر مثبت دارد. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این بود که سودآوری نمی‌تواند نقش واسطه‌ای در تأثیر مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی داشته باشد.

آریاتاما و راهارجا^{۲۵} (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان «تأثیر شدت سرمایه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سودآوری بر اجتناب مالیاتی» پرداختند. ایشان در پژوهش خود با استفاده از اطلاعات ۹۶ شرکت فعال در صنایع غذایی پذیرفته‌شده در بورس اندونزی در بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ نسبت به آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که شدت سرمایه تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این بود که مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. در این پژوهش تأثیر سودآوری بر اجتناب مالیاتی معنادار نبوده است.

هریایا^{۲۶} (۲۰۲۱)، به پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر ویژگی‌ها شرکت بر اجتناب مالیاتی و تأثیر آن بر ارزش شرکت" پرداخته است. ایشان این پژوهش را با استفاده از اطلاعات ۱۸ شرکت از شرکت‌های بورس اندونزی در بین دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۵ استفاده از روش رگرسیون چند گانه انجام دادند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که سودآوری بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و

²⁴ -Pratama et al

²⁵ - Aryatama and Raharja

²⁶ -Heriyah

معناداری دارد ولیکن تأثیر اهرم مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی معنادار نمی‌باشد. از سویی نتایج نشان داد که سودآوری و اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر ارزش شرکت می‌باشند ولیکن تأثیر اهرم مالی بر این متغیر معنادار نمی‌باشد. همچنین بیانگر این بود که اجتناب مالیاتی تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت دارد، اما اجتناب مالیاتی قادر به واسطه‌گری اثر سودآوری و اهرم بر ارزش شرکت نیست. اجتناب می‌تواند نقش واسطه‌ای در تأثیر اندازه شرکت بر ارزش شرکت ایفا نماید.

پژوهش‌های داخلی

اکبری و همکاران (۱۴۰۱) به پژوهشی با عنوان "ارائه مدل محاسبه شاخص جامع اجتناب مالیاتی شرکت" پرداختند. برای این منظور، از داده‌های مربوط به ۱۵۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ به روش آمیخته استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه‌ای برای نظرخواهی از خبرگان درباره وزن و اهمیت معیارهای در نظر گرفته شده برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت، تهیه و بین آن‌ها توزیع شد و با استفاده از یکی از روش‌های مدل تصمیم‌گیری چند معیاره (آنتروپی شانون) وزن و اهمیت معیارها تعیین گردید. بر اساس نتایج این پژوهش تأثیر عوامل مختلف منجمله هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر اجتناب مالیاتی تأیید گردیده است.

عزتی و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش ساختار مالکیت" پرداختند. در این مطالعه داده‌های مربوط به ۱۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت ترکیبی و برای دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ و با استفاده از روش رگرسیون صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش بیانگر وجود عدم وجود رابطه معنادار بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی می‌باشد ولیکن مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی بر روی اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارند.

نکوئی زاده و داروغه حضرتی (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و فرار مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. ایشان در این پژوهش اطلاعات مربوط به ۱۰۶ شرکت به صورت ترکیبی و برای دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ و با استفاده از روش رگرسیون صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین تخصص کارشناسان مالی و فرار مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد ولیکن بین استقلال هیئت مدیره و فرار مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر رابطه مستقیم و معنادار بین توان مدیریتی مدیرعامل و فرار مالیاتی بوده است.

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر" پرداختند. ایشان در این پژوهش اطلاعات مربوط به ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت ترکیبی و برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ و با استفاده از روش رگرسیون صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که بین مالکیت نهادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها وجود دارد ولیکن این رابطه بین استقلال هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

فخری و همکاران (۱۳۹۸) به پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی" پرداختند. در این مطالعه داده‌های مربوط به ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت ترکیبی و برای دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ و با استفاده از روش رگرسیون صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه معنادار بین

حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش مؤید وجود نقش تعدیلگری توانایی مدیریت در رابطه بین حاکمیت شرکت و اجتناب مالیاتی بوده است.

روش پژوهش

روش پژوهش به مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است.

۱- روش پژوهش از نظر رویکرد انجام پژوهش: رویکرد پژوهش رویکرد خردگرایانه است و بر پایه قدرت تفکر استوار است.

۲- روش پژوهش از نظر هدف: این پژوهش از منظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است. پژوهش کاربردی تلاشی برای یافتن پاسخی برای حل یک معضل و مشکل عملی که در دنیای واقعی وجود دارد. این پژوهش از نتایج پژوهش‌های بنیادی به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی استفاده می‌نماید. در واقع یک پژوهش کاربردی پژوهشی است که از اطلاعات واقعی و روش‌های مختلف آماری برای رد یا عدم رد فرضیه‌ها استفاده می‌گردد و در حوزه تئوری اثباتی قرار می‌گیرد.

۳- روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوا: در این پژوهش از این رو که در پی یافتن رابطه معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش هستیم و همین‌طور به مطالعه حدود تغییرات متغیر وابسته با توجه به حدود تغییرات متغیرهای مستقل می‌پردازیم، در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار دارد.

۴- روش پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها: به علت استفاده از اطلاعات کیفی و همین‌طور داده‌های کمی، این پژوهش کیفی و کمی می‌باشد.

۵- روش پژوهش از نظر روش شناخت: در این پژوهش با گردآوری مدارک و اطلاعات از گذشته، شرایط توصیف و تحلیل می‌گردد و یک پژوهش تاریخی می‌باشد. همین‌طور رابطه بین متغیرها بر اساس هدف پژوهش، تحلیل می‌گردد و یک پژوهش همبستگی می‌باشد.

۶- روش پژوهش از نظر نوع استدلال: روش پژوهش از نظر نوع استدلال قیاسی می‌باشد و با شرح دقیق هدف‌ها مشخص می‌شود.

۷- روش پژوهش از نظر زمان: از آنجا که داده‌های گردآوری شده مربوط به رویدادهای گذشته است، یک پژوهش گذشته‌نگر است.

۸- روش پژوهش از نظر طول زمان: در این پژوهش دو دسته داده‌های مقطعی و طولی استفاده می‌شود و روش پژوهش ترکیبی است.

۹- روش پژوهش از نظر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات: اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسناد کاوی جمع‌آوری می‌شوند.

▪ روش کتابخانه‌ای: از این روش برای گردآوری اطلاعات در زمینه ادبیات و پیشینه پژوهش استفاده می‌شود. لذا با مطالعه کتب و مقالات و جستجو در سایت‌های اینترنتی، اطلاعات مورد نیاز گردآوری می‌شود.

▪ **روش اسنادکاوی:** جهت انجام پژوهش و گردآوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها از این روش استفاده خواهد شد. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از نرم‌افزارهای تدبیرپرداز و رهاورد نوین و سایت‌های اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار^{۲۷} و سازمان بورس اوراق بهادار^{۲۸} صورت می‌پذیرد.

۱۰- روش پژوهش از نظر تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. در سطح توصیفی، با استفاده از ویژگی‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و بیشینه و کمینه به توصیف ویژگی‌های عمومی جامعه پرداخته می‌شود. در سطح استنباطی با توجه به این که داده‌های مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی (سال-شرکت) می‌باشند و داده‌های ترکیبی به دو صورت تابلویی و تلفیقی می‌باشد. لذا، به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. همچنین از آزمون هاسمن برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت واحدهای مقطعی استفاده می‌شود. برای انتخاب از بین روش اثرات تصادفی و روش داده‌های تلفیقی از آزمون بروش پاگان استفاده می‌شود. همچنین برای آزمون معنی‌داری کلی مدل رگرسیون برازش شده از آماره فیشر (F) در سطح ۹۵ درصد اطمینان و برای آزمون معنی‌داری هر یک از متغیرهای مستقل از آزمون (t) استیودنت استفاده می‌شود. فروض کلاسیک رگرسیون از طریق آزمون ناهمسانی واریانس‌ها برای بررسی واریانس باقیمانده‌ها، آزمون جارکبرا برای بررسی توزیع نرمال باقیمانده‌ها، آزمون عامل تورم واریانس برای بررسی عدم هم‌خطی بین باقیمانده‌ها، برای بررسی عدم وجود همبستگی بین باقیمانده‌های یک شرکت با شرکت دیگر از آزمون وابستگی شرکت‌های پسران و همچنین برای آزمون عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل، از آزمون ولدریج استفاده خواهد شد.

انجام رگرسیون فرضیه‌های پژوهش

برای پذیرش و یا رد ادعاهای مطرح شده در فرضیه‌های پژوهش در ادامه به آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش‌های رگرسیون پرداخته شده است.

آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول: مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری - دارد.

جدول ۲ - نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
مالکیت نهادی	مستقل	-۰/۰۰۴۹	۰/۰۰۱	-۲/۷۵	۰/۰۰۵
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	-۲/۲۲	۰/۰۲۷
اهرم مالی	کنترلی	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۱/۴۴	۰/۱۵۱
ارزش بازار به ارزش	کنترلی	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۲	۲/۴۶	۰/۰۱۴

1- www.rdis.ir

2-www.seo.ir

				دفتری حقوق صاحبان سرمایه
۰/۰۰۰	۴/۹۷	۰/۰۳۱	۰/۱۵۴	ضریب ثابت
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۸۲۳ آماره والد: ۱۷/۶۵				
ضریب تعیین: ۰/۶۰۹۶ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۱۴				

بر اساس خروجی رگرسیون و نتایج جدول (۲)، ضریب متغیر مالکیت نهادی شرکت برابر با (۰/۰۰۴۹-) و سطح معناداری آن برابر با (۰/۰۰۵) است که بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ می باشد و می توان ادعا نمود که فرضیه اول پژوهش مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۱۴) نشان می دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که متغیرهای توضیحی ۵۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی می نمایند.

آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم: اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
اندازه کمیته حسابرسی	مستقل	-۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۱	-۳/۷۵	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	-۲/۱۷	۰/۰۳۰
اهرم مالی	کنترلی	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۱/۴۸	۰/۱۳۹
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه	کنترلی	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۲	۲/۴۷	۰/۰۱۳
ضریب ثابت		۰/۱۵۱	۰/۰۳۰	۴/۹۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۹۳۶ آماره والد: ۱۹/۳۹					
ضریب تعیین: ۰/۶۱۰۱ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۷					

بر اساس خروجی رگرسیون و نتایج جدول (۳)، ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی شرکت برابر با (۰/۰۰۴۷-) و سطح معناداری آن برابر با (۰/۰۰۰) است که بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ می باشد و می توان ادعا نمود که فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین سطح

معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۷) نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی ۵۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی می‌نمایند.

آزمون فرضیه سوم پژوهش

فرضیه سوم: سودآوری بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
سودآوری	مستقل	۰/۰۵۴	۰/۰۱۹	۲/۸۶	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۲/۸۰	۰/۰۰۵
اهرم مالی	کنترلی	۰/۰۴۳	۰/۰۱۵	۲/۸۵	۰/۰۰۴
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه	کنترلی	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۲/۲۲	۰/۰۲۶
ضریب ثابت		۰/۱۴۶	۰/۰۳۰	۴/۸۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۸۷۶ آماره والد: ۲۵/۵۸					
ضریب تعیین: ۰/۶۰۵۴ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۰					

بر اساس خروجی رگرسیون و نتایج جدول (۴)، ضریب متغیر سودآوری شرکت برابر با (۰/۰۵۴) و سطح معناداری آن برابر با (۰/۰۰۴) است که بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین سودآوری و اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد و می‌توان ادعا نمود که فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۰) نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی ۵۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی می‌نمایند.

آزمون فرضیه چهارم پژوهش

فرضیه چهارم: مالکیت نهادی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
مالکیت نهادی	مستقل	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۲/۴۳	۰/۰۱۲
اندازه شرکت	کنترلی	۰/۰۲۲	۰/۰۰۲	۸/۸۱	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	-۲۹/۲۴	۰/۰۱۶	-۰/۴۷۱	کنترلی	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۳/۶۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۱	کنترلی	ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه
۰/۰۲۸	۲/۲۰	۰/۰۳۹	۰/۰۸۷		ضریب ثابت
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۹۴۵ آماره والد: ۱۰۰۷/۷۳					
ضریب تعیین: ۰/۶۱۷۰ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۰					

بر اساس خروجی رگرسیون و نتایج جدول (۵)، ضریب متغیر مالکیت نهادی شرکت برابر با (۰/۰۰۲) و سطح معناداری آن برابر با (۰/۰۱۲) است که بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت نهادی و سودآوری در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد و می‌توان ادعا نمود که فرضیه چهارم پژوهش مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۰) نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی ۵۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌نمایند.

آزمون فرضیه پنجم پژوهش

فرضیه چهارم: اندازه کمیته حسابرسی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
اندازه کمیته حسابرسی	مستقل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۴	۲/۴۳	۰/۰۱۱
اندازه شرکت	کنترلی	۰/۰۲۲	۰/۰۰۲	۸/۷۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	کنترلی	-۰/۴۷۱	۰/۰۱۶	-۲۹/۱۴	۰/۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه	کنترلی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۳/۵۸	۰/۰۰۰
ضریب ثابت		۰/۰۸۶	۰/۰۳۹	۲/۱۷	۰/۰۳۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۰۰۶ آماره والد: ۱۰۰۱/۸۴					
ضریب تعیین: ۰/۶۲۲۲ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۰					

بر اساس خروجی رگرسیون و نتایج جدول (۶)، ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی شرکت برابر با (۰/۰۰۱) و سطح معناداری آن برابر با (۰/۰۱۱) است که بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و سودآوری در سطح اطمینان

۹۵٪ می باشد و می توان ادعا نمود که فرضیه پنجم پژوهش مورد تأیید واقع گردیده است. همچنین سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۰) نشان می دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که متغیرهای توضیحی ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی می نمایند.

آزمون فرضیه ششم پژوهش

فرضیه ششم: سودآوری در تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش واسطه ای دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون فرضیه ششم پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
مالکیت نهادی	مستقل	-۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۱	-۲/۳۹	۰/۰۱۹
سودآوری	واسطه ای	۰/۰۵۴	۰/۰۱۹	۲/۸۶	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۲/۸۰	۰/۰۰۵
اهرم مالی	کنترلی	۰/۰۴۳	۰/۰۱۵	۲/۸۳	۰/۰۰۵
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه	کنترلی	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۲/۲۱	۰/۰۲۷
ضریب ثابت		۰/۱۴۹	۰/۰۳۰	۴/۸۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۸۱۲ آماره والد: ۲۵/۹۶					
ضریب تعیین: ۰/۶۰۵۳ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۱					

باتوجه به جدول (۷) اگر ضریب متغیر مالکیت نهادی شرکت، منفی و معنادار شود نشان دهنده تأثیر منفی و معنادار متغیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی شرکت است. همانگونه که مشخص است ضریب این متغیر برابر با (-۰/۰۰۴۷) و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۱۹ است که نشان دهنده تأثیر منفی و معنادار مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ است. همچنین ضریب و سطح معناداری مربوط به متغیر سودآوری به ترتیب (۰/۰۵۴) و ۰/۰۰۴ می باشد که نشانگر تأثیر مثبت و معنادار سودآوری بر اجتناب مالیاتی می باشد. با توجه به اینکه ضریب متغیر سودآوری بر روی اجتناب مالیاتی شرکت مثبت و معنادار می باشد انتظار می رود با ورود این متغیر به مدل شاهد افزایش ضریب تأثیر متغیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی شرکت در مدل ششم در مقایسه با ضریب تأثیر این متغیر در مدل اول باشیم. با توجه به اینکه ضریب تأثیر این متغیر در مدل ششم برابر با (-۰/۰۰۴۷) بوده و نسبت به ضریب تأثیر متغیر مالکیت نهادی شرکت در مدل اول (-۰/۰۰۴۹) افزایش یافته است، نقش واسطه ای نسبی مستقیم سودآوری بر رابطه منفی بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی شرکت را تأیید می نماید؛ بنابراین با توجه به نتایج جدول، فرضیه ششم این پژوهش نیز مورد تأیید واقع می گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که متغیرهای توضیحی ۵۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی می نمایند. همچنین سطح معناداری

آماره والد (۰/۰۰۰۱) نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون فرضیه هفتم پژوهش

فرضیه هفتم: سودآوری در تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش واسطه‌ای دارد.

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیه هفتم پژوهش

عنوان متغیر	نقش متغیر	ضریب تعیین	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
اندازه کمیته حسابرسی	مستقل	-۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۲	-۱/۹۹	۰/۰۴۹
سودآوری	واسطه‌ای	۰/۰۵۴۲	۰/۰۱۹	۲/۸۵	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۲/۷۵	۰/۰۰۶
اهرم مالی	کنترلی	۰/۰۴۴	۰/۰۱۵	۲/۸۷	۰/۰۰۴
ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه	کنترلی	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۲/۲۲	۰/۰۲۷
ضریب ثابت		۰/۱۴۷	۰/۰۳۰	۴/۸۴	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۸۲۱ آماره والد: ۲۷/۶۸					
ضریب تعیین: ۰/۶۰۵۴ سطح معناداری آماره والد: ۰/۰۰۰۰					

باتوجه به جدول (۸) اگر ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی شرکت، منفی و معنادار شود نشان دهنده تأثیر منفی و معنادار متغیر اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی شرکت است. همانگونه که مشخص است ضریب این متغیر برابر با (-۰/۰۰۴۳) و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۴۹ است که نشان دهنده تأثیر منفی و معنادار اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ است. همچنین ضریب و سطح معناداری مربوط به متغیر سودآوری به ترتیب (۰/۰۵۴) و ۰/۰۰۴ می‌باشد که نشانگر تأثیر مثبت و معنادار سودآوری بر اجتناب مالیاتی می‌باشد. با توجه به اینکه ضریب متغیر سودآوری بر روی اجتناب مالیاتی شرکت مثبت و معنادار می‌باشد انتظار می‌رود با ورود این متغیر به مدل شاهد افزایش ضریب تأثیر متغیر اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی شرکت در مدل هفتم در مقایسه با ضریب تأثیر این متغیر در مدل دوم باشیم. با توجه به اینکه ضریب تأثیر این متغیر در مدل هفتم برابر با (-۰/۰۰۴۳) بوده و نسبت به ضریب تأثیر متغیر اندازه کمیته حسابرسی شرکت در مدل دوم (-۰/۰۰۴۷) افزایش یافته است، نقش واسطه‌ای نسبی مستقیم سودآوری بر رابطه منفی بین اندازه کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت را تأیید می‌نماید؛ بنابراین با توجه به نتایج جدول، فرضیه هفتم این پژوهش نیز مورد تأیید واقع می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی ۵۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی می‌نمایند. همچنین سطح معناداری آماره والد (۰/۰۰۰۰) نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون های سوبل ۲۹، آروین ۳۰ و گودمن ۳۱

برای تأیید نقش واسطه‌ای سودآوری در رابطه بین مالکیت نهادی، اندازه کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی شرکت از تست های تحکیم کننده، یعنی تست سوبل، آروین و گودمن (۱۹۸۲) استفاده می‌گردد. در این آزمون مقادیری چون مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و واسطه‌ای، مقدار ضریب مسیر میان متغیر واسطه‌ای و متغیر وابسته، خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و واسطه‌ای و همچنین خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر واسطه‌ای و وابسته استفاده می‌گردد. در صورت بیشتر شدن مقدار ضریب T از ۱.۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنا دار بودن تأثیر واسطه‌ای متغیر سودآوری تأیید می‌گردد. فرض صفر در این آزمون‌ها بیانگر عدم واسطه‌ای سودآوری است و از آن جا که سطح معنی داری در هر سه آزمون کمتر از ۵٪ است، فرض صفر رد می‌شود و نقش واسطه‌ای سودآوری در مدل‌های ششم و هفتم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۹- نتایج آزمون های سوبل، آروین و گودمن - مدل ششم

نوع آزمون	آماره T	خطای استاندارد	سطح معنی داری	نتیجه
آزمون سوبل	۱/۹۹	۰/۰۰۱۴	۰/۰۳۱	تأیید نقش واسطه‌گری
آزمون آروین	۱/۹۷	۰/۰۰۱۴	۰/۰۳۳	تأیید نقش واسطه‌گری
آزمون گودمن	۱/۹۸	۰/۰۰۱۳	۰/۰۳۵	تأیید نقش واسطه‌گری

جدول ۱۰- نتایج آزمون های سوبل، آروین و گودمن - مدل هفتم

نوع آزمون	آماره T	خطای استاندارد	سطح معنی داری	نتیجه
آزمون سوبل	۱/۹۸	۰/۰۰۳۹	۰/۰۴۲	تأیید نقش واسطه‌گری
آزمون آروین	۱/۹۶	۰/۰۰۳۹	۰/۰۴۲	تأیید نقش واسطه‌گری
آزمون گودمن	۱/۹۸	۰/۰۰۳۸	۰/۰۳۹	تأیید نقش واسطه‌گری

تحلیل نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

تحلیل نتایج فرضیه اول پژوهش

نتایج نشان داد که مالکیت نهادی تأثیر منفی و معناداری بر اجتناب از مالیات شرکت‌های مورد بررسی داشته است. تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی در قالب دو تئوری نمایندگی و ذینفعان مورد تأکید واقع گردیده است. در دیدگاه نمایندگی اجتناب مالیاتی، این گونه استدلال می‌شود که مدیران فرصت طلب، روش‌ها و تکنیک‌های اجتناب مالیاتی را بیشتر با هدف افزایش منافع مدیریتی انجام می‌دهند تا افزایش منافع سهامداران (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). برای محافظت درآمد در مقابل

1 -Sobel test

2 -Aroian test

3 -Goodman test

متصدیان مالیات، مدیران اغلب تلاش می‌کنند که هدف و نیت اصلی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را مخفی کنند. ویژگی مبهم بودن اجتناب مالیاتی می‌تواند نقش یک سپر را برای مدیران ایفا کند و به نظر می‌رسد که مدیران با استفاده از ساختارهای پیچیده اجتناب مالیاتی می‌توانند رفتارهای فرصت طلبانه خود را پنهان سازند (دسای و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، براساس دیدگاه نمایندگی، اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران نیست. در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی، دولت به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی به ایفای نقش می‌پردازد؛ بدین ترتیب نتایج عملیات شرکت‌ها به سود منتهی شود، قبل از هر تصمیمی در رابطه با این سود، سهم دولت از این سود محاسبه و کنار گذاشته می‌شود و مهم‌ترین سهم دولت از سود، مالیات می‌باشد. در این دیدگاه حتی اگر شرکت خود را ملزم به گسترش سطح مسئولیت پاسخگویی برای رعایت حقوق دیگر ذی‌نفعان نداند، بالاچار به دلیل الزامات قانونی، مجبور به رعایت حقوق دولت دایر بر محاسبه و پرداخت مالیات است (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). در دیدگاه محدود حاکمیت شرکتی، به دلیل نبود شفافیت و عدم سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌صورت مطلوب، منافع تهیه‌کنندگان اطلاعات در تضاد است (حتی با منافع دولت که یکی از ذی‌نفعان اصلی در دیدگاه محدود محسوب می‌شود). در این دیدگاه، شرکت‌ها خود را به اندازه‌ای پاسخگو می‌دانند که از جرائم و تنبیهات قانونی در امان باشند. در سوی دیگر طیف تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در قالب شبکه‌ای از روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان بیان می‌شود. سطح مسئولیت پاسخگویی شرکت در این دیدگاه گسترش یافته، حوزه وسیع‌تری از سهامداران و دیگر ذی‌نفعان را در بر می‌گیرد. در این رویکرد است که شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان مطرح شده، مسئولیت پاسخگویی به‌عنوان جوهره وجودی حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود (قرنجیک و گرکز، ۱۳۹۷).

مدیرانی که بدنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها شده و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود (دسای و همکاران، ۲۰۰۷). سهامداران نهادی به دلیل اینکه بخش اعظمی از سهام شرکت‌ها را در اختیار دارند، قدرت و تمایل بیشتری برای نظارت بر فعالیت‌های مدیران داشته و به دلیل بیمه نمودن خود از مشکلات قانونی ناشی از تخلفات مالیاتی، اجتناب از مالیات کمتری انجام می‌دهند و نرخ موثر مالیاتی این قبیل شرکت‌ها بیشتر می‌باشد (سونارتا و همکاران، ۲۰۲۱؛ چاپونو و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش با نتایج پژوهش‌های سونارتو و همکاران (۲۰۲۱)، تارک عبدالفتاح و احمد ابوید (۲۰۲۰)، جوست کورمان و پاتریکس ویلیت (۲۰۱۹) و عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد.

تحلیل نتایج فرضیه دوم پژوهش

نتایج نشان داد که اندازه کمیته حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر اجتناب از مالیات شرکت‌های مورد بررسی داشته است. حل و فصل تضاد منافع بین مالکان و مدیران و ایجاد اطمینان از رعایت دستورالعمل‌ها و قوانین نیازمند ایجاد کنترل‌های داخلی قوی می‌باشد. کمیته حسابرسی به نمایندگی از هیئت مدیره وظیفه نظارت بر عملکرد شرکت و کاهش هزینه‌های نمایندگی و تامین حقوق ذینفعان را بر عهده دارد (اردیناشا و زلیخا، ۲۰۱۴). کمیته حسابرسی با اثربخشی مناسب می‌تواند تأثیر مثبت بر اجتناب از مالیات داشته و رفتارهای متهورانه مدیران را کنترل نماید (سارا، ۲۰۱۷؛ مارسلواتی و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین همانگونه که انتظار می‌رفت در محیط بازار سرمایه ایران نیز در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی موثر استقرار

یافته است بدلیل نظارت مناسب بر عملکرد مدیران شاهد کاهش هزینه‌های نمایندگی و الزام مدیر به رعایت بیشتر حقوق ذینفعان از جمله دولت و کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیران گردیده و شرکت از اقدامات متهورانه مالیاتی از جمله اجتناب از مالیات پرهیز می‌نماید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش با نتایج پژوهش‌های سونارتو و همکاران (۲۰۲۱)، تارک عبدالفتاح و احمد ابوید (۲۰۲۰)، جوست کورمان و پاتریکس ویلیت (۲۰۱۹) و عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد.

تحلیل نتایج فرضیه سوم پژوهش

نتایج نشان داد که سودآوری شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب از مالیات شرکت‌های مورد بررسی داشته است. اجتناب از مالیات شرکت‌ها در گرو میزان سودآوری شرکت‌ها نیز می‌باشد. نتایج پژوهش (گاه و همکاران، ۲۰۱۹) ثابت می‌کند که سودآوری بالا به طور فزاینده‌ای تعهدات مالیاتی آن را آشکار می‌کند. سودآوری عملکرد مالی یک شرکت را در مدیریت دارایی‌هایش، یعنی بازده دارایی‌ها توصیف می‌کند که انتظار می‌رود بر اجتناب مالیاتی تأثیر بگذارد (کورنیاش و ساری، ۲۰۱۳). سودآوری بالای شرکت‌ها موجب خواهد داشت تا فرصت بیشتری برای انجام برنامه‌ریزی مالیاتی داشته باشند. همچنین هر چه بدهی شرکت بیشتر باشد، هزینه بهره نیز بیشتر است. با این هزینه بهره می‌تواند بار مالیاتی شرکت را کاهش دهد. هرچه شرکت بزرگتر باشد، فرصت بیشتری برای استفاده از قوانینی دارد که می‌تواند برای شرکت مفید باشد و اجتناب مالیاتی آن افزایش خواهد یافت (هریرا، ۲۰۲۱، ۲۰۲۱). هر چه بازده دارایی‌ها بیشتر باشد، سود شرکت بیشتر می‌شود. با افزایش مقیاس سود یک شرکت، مالیات شرکت نیز افزایش می‌یابد، از این رو این احتمال وجود دارد که شرکت به دنبال اقدامات اجتناب از مالیات برای جلوگیری از افزایش بدهی مالیاتی باشد. بر اساس تئوری نمایندگی، هدف مدیران کنترل هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها خواهد بود تا از کاهش سود که موجب کاهش پاداش ایشان می‌گردد جلوگیری نمایند. شرکت‌ها می‌توانند به طور موثر دارایی‌های خود را مدیریت کنند تا بتوانند از معافیت‌های مالیاتی و سایر مزایای مالیاتی استفاده کنند و این تصور را ایجاد کنند که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند (آریاتاما و راهارجا، ۲۰۲۱). سودآوری تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارد (دارماوان و سوکارتا، ۲۰۱۴)؛ بنابراین انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که سودآوری بیشتری دارند شاهد اجتناب مالیاتی بالاتری نیز باشیم. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش با نتایج پژوهش‌های دارماوان و سوکارتا (۲۰۱۴)، آریاتاما و راهارجا (۲۰۲۱) و هریا (۲۰۲۱) همخوانی دارد.

تحلیل نتایج فرضیه چهارم پژوهش

نتایج نشان داد که مالکیت نهادی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری داشته است. شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) بیان می‌کنند که براساس نظریه کارگزاری، سهامداران بزرگ، انگیزه زیادی برای نظارت و تأثیرگذاری بر مدیریت شرکت، به منظور حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه خود دارند. این، دیدگاهی است که با عنوان فرضیه نظارت کارا صورت بندی مفهومی می‌شود؛ بنابراین، ممکن است سهامداران نهادی از طریق افزایش نظارت و کاستن از مسئله سواری رایگان، هزینه‌های کارگزاری را کاهش دهد. انتظار می‌رود که سهامداران بزرگ، به شکل مؤثری بر اقدامات مدیران نظارت کنند؛ که حیطة فرصت طلبی مدیران کاهش می‌دهد. افزون بر این، فشار کمتری بر مدیریت برای تأمین انتظارات نسبت به سود کوتاه مدت وجود خواهد داشت؛ زیرا سهامداران کنترل کننده بیشتر بر بلندمدت تمرکز می‌کنند؛

بنابراین، براساس فرضیه نظارت کارا، سهامداران نهادی موجب افزایش سودآوری خواهند گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش با نتایج پژوهش‌های پاتریسیا و همکاران (۲۰۱۷)، اسلام و همکاران (۲۰۱۹) و سادنی تو و نامی (۲۰۲۱) همخوانی دارد.

تحلیل نتایج فرضیه پنجم پژوهش

نتایج نشان داد که اندازه کمیته حسابرسی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری داشته است. حاکمیت شرکتی قوی با کاهش هزینه‌های نمایندگی و نظارت بیشتر بر عملکرد مدیران، موجب کاهش اقدامات متهورانه توسط مدیریت شده و باعث افزایش سودآوری شرکت می‌گردد (سوناترو و همکاران، ۲۰۲۱). حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند به‌عنوان سازوکاری اثربخش برای ممانعت از رفتار خوش‌بینانه مدیران و بهبود کیفیت گزارش‌های مدیران و افزایش ارزش شرکت عمل کند؛ به عبارت دیگر این انتظار می‌رود که سازوکارهای موثر حاکمیت شرکتی موجب افزایش سودآوری شرکت‌ها شود (فنگ و هانگ، ۲۰۲۰). زمانی که در یک شرکت، کمیته حسابرسی دارای استقلال لازم باشد، به همان نسبت می‌تواند بررسی‌های صورت‌های مالی و انجام حسابرسی خود را به‌صورت دقیق‌تر انجام داده و در بازه‌های زمانی بلندمدت بر میزان اعتبار شرکت‌ها بیافزاید (سان و چن، ۲۰۱۲). اندازه کمیته حسابرسی نشان‌دهنده منابع و قدرتی است که کمیته حسابرسی در اختیار دارد تا بطور موثری مسئولیت‌های نظارتی و گزارشگری مالی خود را انجام دهد (چن و همکاران، ۲۰۰۸). بدارد و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که کمیته‌های حسابرسی بزرگ (اندازه کمیته) قدرت، تخصص و تنوع لازم برای نظارت بیشتر را دارا می‌باشند؛ بنابراین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طبق تئوری علامت دهی، کمیته حسابرسی بزرگ به منزله سیگنالی از قابلیت اتکای فرایندهای داخلی برای بازار عمل می‌کنند و ریسک و هزینه سرمایه را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان کاهش می‌دهد و درنهایت با بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی شاهد بهبود عملکرد مدیران و افزایش سودآوری خواهیم بود و نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم پژوهش با نتایج پژوهش‌های سان و چن (۲۰۱۲)، فنگ و هانگ (۲۰۲۰) و سونارتو و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد.

خلاصه نتایج و تحلیل فرضیه ششم پژوهش

در آزمون فرضیه ششم پژوهش، نتایج نشان داد سودآوری نقش واسطه‌ای در تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب از مالیات دارد. زمانی که شرکت‌ها از لحاظ سودآوری در وضعیت مناسبی قرار داشته باشند، مدیران کمتر به اقدامات متهورانه از قبیل اجتناب مالیاتی روی خواهند آورد زیرا از طرف سهامداران و مالکان فشار کمتری به ایشان اعمال خواهد گردید (کیم و همکاران، ۲۰۱۱).

زمانی که در یک شرکت، کمیته حسابرسی دارای استقلال لازم باشد، به همان نسبت می‌تواند بررسی‌های صورت‌های مالی و انجام حسابرسی خود را به‌صورت دقیق‌تر انجام داده و در بازه‌های زمانی بلندمدت بر میزان اعتبار شرکت‌ها بیافزاید (سان و چن، ۲۰۱۲). اندازه کمیته حسابرسی نشان‌دهنده منابع و قدرتی است که کمیته حسابرسی در اختیار دارد تا بطور موثری مسئولیت‌های نظارتی و گزارشگری مالی خود را انجام دهد (چن و همکاران، ۲۰۰۸). بدارد و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که کمیته‌های حسابرسی بزرگ (اندازه کمیته) قدرت، تخصص و تنوع لازم برای نظارت بیشتر را دارا می‌باشند؛ بنابراین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طبق تئوری علامت دهی، کمیته حسابرسی بزرگ به منزله سیگنالی از قابلیت اتکای فرایندهای

داخلی برای بازار عمل می کنند و ریسک و هزینه سرمایه را برای سرمایه گذاران و اعتباردهندگان کاهش می دهد و درنهایت با بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی شاهد بهبود عملکرد مدیران و افزایش سودآوری خواهیم بود و درنهایت با افزایش سودآوری، تلاش مدیران برای پرداخت مالیات کمتر نیز افزایش خواهد یافت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ششم پژوهش با نتایج پژوهش هایسونارتا و همکاران (۲۰۲۱) و فنگ و هانگ (۲۰۲۰) همراستا می باشد.

خلاصه نتایج و تحلیل فرضیه ششم پژوهش

نتایج نشان داد سودآوری نقش واسطه‌ای در تأثیر سهامداران نهادی بر اجتناب از مالیات دارد. زمانی که شرکت‌ها از لحاظ سودآوری در وضعیت مناسبی قرار داشته باشند، مدیران کمتر به اقدامات متهورانه از قبیل اجتناب مالیاتی روی خواهند آورد زیرا از طرف سهامداران و مالکان فشار کمتری به ایشان اعمال خواهد گردید (کیم و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین در مدل تمکین فیشر و همکاران (۱۹۹۲) اثر فرصت های عدم تمکین بر سطح تمکین مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از فرصت‌های عدم تمکین، همان ویژگی‌های درآمدی مؤدی است که شامل نوع مودی (شخص حقیقی در برابر شخص حقوقی) و اندازه مودی (مودیان کوچک در برابر مودیان بزرگ)، نوع درآمد (درآمد به‌عنوان خویش فرما در برابر درآمد کارفرما) و میزان درآمد (درآمد زیاد در برابر درآمد کم) مورد بررسی قرار گرفته و مشخص گردیده است که شرکت‌های دارای درآمد مناسب، عدم تمکین مالیاتی کمتری دارند. همچنین سودآوری شرکت‌ها به‌عنوان پشتوانه قوی برای مدیر و اعضای هیئت مدیره تلقی شده و به‌عنوان یک سپر حمایتی عمل می‌نماید و موجب تقویت قدرت تصمیم‌گیری ایشان می‌گردد. شرکت‌هایی که از لحاظ شاخص‌های سودآوری در وضعیت مناسبی قرار دارند، اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل دارای قدرت اجرایی بهتری بوده و بدلیل تامین منافع سهامداران، تحت فشار کمتری برای اقدامات متهورانه در راستای تامین منافع ذینفعان می باشند (سونارتا و همکاران، ۲۰۲۱).

نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم پژوهش با نتایج پژوهش سیلوا و همکاران (۲۰۲۱) و فنگ و هانگ (۲۰۲۰) همراستا می باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی

پیشنهاد‌های پژوهش حاضر در دو بخش جداگانه ارائه می‌گردد. ابتدا پیشنهادات کاربردی برگرفته از نتایج پژوهش، که امید است مورد استفاده کافرمایان و سرمایه گذاران و . . . قرار گیرد و بخش دوم پیشنهاد‌های مربوط به پژوهش‌های آتی است که راهنمایی برای پژوهش‌های بعدی در خصوص موضع پژوهش است.

با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش و تائید تأثیر منفی مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی، به مدیران و سیاست گذاران بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد زمینه حضور بیشتر و موثرتر سهامداران نهادی در ترکیب مالکیت شرکت‌ها را فراهم نموده تا از مزایای حضور ایشان که تقویت حاکمیت شرکتی و در نتیجه رعایت حقوق تمامی ذینفعان و کاهش هزینه‌های نمایندگی می باشد، بهره‌مند گردند.

با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش و تائید تأثیر منفی اندازه کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی، به مدیران و اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد توجه بیشتری به کنترل‌های داخلی نموده و بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاکید نمایند تا از این طریق از رفتارهای متهورانه مدیران از جمله اجتناب مالیاتی پیشگیری نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه های اول و دوم پژوهش و تأیید تأثیر منفی حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی، به دولت و سیاست گذاران حوزه مالیاتی پیشنهاد می گردد با تدوین دستورالعمل های لازم موجب تقویت حاکمیت شرکتی در شرکت ها گردند تا بتوانند با وصول مالیات موجب تامین منابع مالی بودجه گردیده و توزیع عادلانه ثروت در جامعه را نیز تحقق بخشند.

با توجه به نتایج فرضیه سوم پژوهش و تأیید تأثیر سودآوری بر اجتناب مالیاتی، به ممیزان مالیاتی پیشنهاد می گردد برای تشخیص صحیح تر مالیات عملکرد شرکت ها، در شرکت هایی که سودآوری بالاتری دارند با بکارگیری روش های مناسب و اعمال تردید حرفه ای، نسبت به تعیین مالیات اقدام نموده و زمینه را برای اجتناب مالیاتی از بین ببرند.

با توجه به نتایج فرضیه چهارم پژوهش و تأیید تأثیر مثبت سهامداران نهادی بر سودآوری شرکت ها، به مجامع عمومی شرکت ها پیشنهاد می گردد با زمینه سازی مناسب موجب جذب سهامداران نهادی در ترکیب مالکیت شرکت گردیده تا با اعمال نظارت توسط سهامداران ذکور، هزینه های نمایندگی کاهش یافته و سودآوری شرکت افزایش یابد.

با توجه به نتایج فرضیه پنجم پژوهش و تأیید تأثیر مثبت اندازه کمیته حسابرسی بر سودآوری، به هیئت مدیره و کمیته حسابرسی شرکت ها پیشنهاد می گردد با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی موجب نظارت بیشتر و تنوع تخصص در کمیته گردیده و از این طریق موجب تقویت حاکمیت شرکتی و افزایش سودآوری شرکت گردند.

با توجه به نتیجه فرضیه های ششم و هفتم پژوهش و تأیید نقش واسطه ای سودآوری در رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، به ممیزان مالیاتی پیشنهاد می گردد در بررسی اظهارنامه های مالیاتی شرکت ها در خصوص شرکت هایی که از لحاظ سودآوری در وضعیت خوبی بوده و مولفه های حاکمیت شرکتی آنها ضعیف می باشد، دقت بیشتری نموده تا بتوانند از هرگونه اجتناب مالیاتی جلوگیری نمایند.

بر اساس نتایج پژوهش به سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی پیشنهاد می گردد با آگاهی از میزان تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی نسبت به شناسایی شرکت هایی که دارای اجتناب از مالیات هستند اقدام نموده و با توجه به تاثیرات اجتناب از مالیات بر سود انتشار یافته در صورت های مالی شرکت ها در تحلیل گزارش های مالی شرکت برای سرمایه گذاری این نکته را مدنظر قرار دهند.

دانشجویان و پژوهشگران نیز با آگاهی از نتایج این پژوهش می توانند در پژوهش های آتی خود از نتایج به دست آمده به عنوان مبانی نظری استفاده نمایند و نتایج پژوهش های خود را با پژوهش حاضر مقایسه نمایند.

منابع

۱. ابراهیمی، لایلا و ذبیحی، علی. (۱۳۹۵). افشا سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی. مطالعات اقتصادی، مدیریت مالی و حسابداری. شماره ۲/۲. صص ۶۵-۷۸.
۲. باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها. پژوهش های حسابداری مالی. سال ۲. شماره ۳. صص ۶۵-۸۶.
۳. بنی طالبی، سحر. (۱۳۹۵). تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه نظام راهبری شرکتی و اجتناب از پرداخت مالیاتی در شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، در رشته مدیریت موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر.
۴. پورعبدالهیان تهرانی، رامین؛ طالب نیا، قدرت اله و اسدنیان، جهانبخش. (۱۴۰۰). ارزیابی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر سودآوری شرکتهای دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از الگوی ترکیبی فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری. سال ۱۰. شماره ۳۸. صص ۴۸۷-۴۹۷.
۵. حاجیان نژاد، امین و دانش سرارودی، رسول. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقد شوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری. دانش حسابداری. سال ۱۰. شماره ۱. صص ۱۱۵-۱۳۶.
۶. حساس یگانه، یحیی و رضایی، شهروز. (۱۳۹۷). مدلی برای تأثیر مسیولیت اجتماعی و هزینه های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. مطالعات تجربی حسابداری مالی. شماره ۵۸. صص ۲۷-۵۸.
۷. خانی، عبدالله. (۱۳۹۲). بررسی رابطه تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی. شماره ۵۱. صص ۶۱-۸۶.
۸. خدای پور، احمد و امینی نیا، میثم. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از مالیات و هزینه بدهی و تاصیر مالکیت نهادی بر این رابطه. پژوهشنامه مالیات. ۲۱(۱۹). صص ۱۳۵-۱۵۶.
۹. خواجوی، شکراله، حسینی نیا، سمیه و نصیری، طاهره. (۱۳۹۷). ارتباط بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه اطلاعات زیست محیطی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. شماره ۴۰. صص ۱-۲۰.
۱۰. رحمان سرشت، حسین. (۱۳۷۷). تئوری های سازمان و مدیریت از نوین گرایان تا پسا نوین گرایان. تهران: موسسه انتشاراتی فن و هنر.
۱۱. دیانتهی دیلمی، زهرا. (۱۳۹۴). کتاب روش پژوهش در حسابداری، انجمن حسابداری مدیریت ایران، تهران.

۱۲. سپاسی، سحر؛ پارساپور، محمدرضا و رضایت، محیا. (۱۳۹۵). طراحی مدل تأثیر بعد اقتصادی مسیولیت پذیری اجتماعی بر اجتناب مالیاتی با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری. پژوهشنامه مالیات. شماره ۸۳. صص ۱۵۷-۱۷۸.
۱۳. شیبانی تدرچی، عباس و خدای پور، احمد. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری. شماره ۲. صص ۱۰۲-۱۲۹.
۱۴. فخری، مجید؛ پاک، علی و خوشکار، فرزین. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. سال ۳. شماره ۲۳. صص ۲۲-۴۱.
۱۵. قاسمی پور، بهروز؛ احمدی، فایق و وکیلی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۹). فراتحلیلی از اثر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود. فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی سیاسی ایران. سال ۳. شماره ۱۲. صص ۲۲۳۷-۲۲۵۰.
۱۶. قرنچیک، آرزو و گرکز، منصور. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری. سال ۱۸. شماره ۷۰. صص ۱۷۵-۱۹۳.
۱۷. عباس زاده، محمد رضا؛ مفتونیان، محسن؛ فدائی، مرتضی و بابائی کلاریجانی، مائده. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت ها در مراحل چرخه عمر. پژوهش های تجربی حسابداری. سال ۱۰. شماره ۳۸. صص ۸۱-۱۴۹.
۱۸. عربصالحی، مهدی و هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. سال ۲۲. شماره ۱. صص ۸۵-۱۰۴.
۱۹. عزتی، زیبا؛ خداداده‌ی شاملو، ناصر و حاجی زاده، مسعود. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط افشای مسیولیت اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش ساختار مالکیت. چشم انداز حسابداری و مدیریت. سال ۴. شماره ۴۰. صص ۱۳۱-۱۴۶.
۲۰. عزیززاده، امیرخادم؛ حنجری، سارا؛ امینی، محمد علی و رسائیان، امیر. (۱۳۹۴). نقد شونددگی سهام و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن اهمیت حاکمیت شرکتی و محدودیت های مالیاتی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. سال ۲۲. شماره ۴. صص ۴۶۱-۴۷۸.
۲۱. مردانی، مهدی، صفری، گرایلی و ولیان، حسن. (۱۳۹۷). تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری. شماره ۷۳. صص ۱۲۳-۱۳۷.
۲۲. مشایخی، بیتا و سیدی، جلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری. سال ۶. شماره ۲۰. صص ۸۳-۱۰۳.

۲۳. مشایخی، بیتا و صبری، علی پناه. (۱۳۹۳). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. حسابداری مالی و حسابرسی. سال ۵. شماره ۲۵. صص ۴۹-۶۴.

۲۴. مهربان پور، محمد رضا؛ جندقی قمی، محمد و محمدی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. شماره ۳. صص ۱۴۷-۱۶۸.

۲۵. نکوئی زاده، شکوفه و داروغه حضرتی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و فرار مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. سال ۵. شماره ۷۱. صص ۱-۲۳.

26. Allingham, Michael G. sandmo, A. (1972). Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of public and economic*. . 1(323338).

27. Ardyansah, D. Zulaikha, Z. (2014). The Influence of Size, Leverage, Profitability, Capital Intensity Ratio and Independent Commissioners on the Effective Tax Rate (ETR). *Diponegoro Journal of Accounting*, 3(2), Pp. 371-379.

28. Armstrong, C. Jagolinzer, A. D. Larcker. (2010). Chief executive officer equity incentives and accounting irregularities. *Journal of Accounting Research*, 48, Pp. 225- 271.

29. Berger, P. G. Hann, R. N. (2007). Segment profitability and the proprietary and agency costs of disclosure. *The Accounting Review*, 82(4), Pp. 869-906.

30. Cahyono, D. D. Andini, R. Raharjo, K. (2016). The Influence of the Audit Committee, Institutional Ownership, Board of Commissioners, Company Size (Size), Leverage (DER) and Profitability (ROA) on Tax Avoidance in Banking Companies Listed by IDX 2011-2013. *Journal of Accounting*, 2(2), Article 2.

31. Chabachib, M. Fitriana, T. U. Hersugondo, H. Pamungkas, I. D. Udin, U. (2020). Firm value improvement strategy, corporate social responsibility, and institutional ownership. *International Journal of Economics and Management Systems*, 10(4), Pp. 152-163.

32. Chen, S. Chen, X. Cheng, Q. Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 3(95), Pp. 41-61.

33. Chen, Y. Ge, R. Louis, H. Zolotoy, L. (2019). Stock liquidity and corporate tax avoidance. *Review of Accounting Studies*, Pp. 1-32.

34. Desai, Mihir. Dhammika Dharmapala. (2006). Corporate Tax Avoidance and highpowered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79 (1), Pp. 145-179.

35. Desai, M. Dyck, A. Zingales, L. (2007). Theft and Taxes. *Journal of Financial Economics*, 84 (3), Pp. 591-623.
36. Desai, M. Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91 (3), Pp. 537-546.
37. Hanlon, M. S. Heitzman. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): Pp. 127-178.
38. Lim, H. Rokhim, R. (2020). Factors affecting profitability of pharmaceutical company: an Indonesian evidence, *Journal of Economic Studies*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JES-01-2020-0021>
39. Marselawati, D. Masitoh, K. H. T. E. (2018). The Effect of Corporate Governance on Tax Avoidance (Empirical Study of the Consumer Goods Industry Companies Listed On Indonesia Stock Exchange Period 2013-2016). *Proceeding ICTESS (International Conference on Technology, Education and Social Sciences)*, 0(0), Article0.
40. Mirawati. (2014). Effect of Ownership Structure and Company Size on Profitability in Property and Real Estate Companies Listed on the IDX. *Repositori Tugas Akhir Universitas Maritim Raja Ali Haji*.
41. Nguyen, T. N. L. Nguyen, V. C. (2020). The Determinants of Profitability in Listed Enterprises: A Study from Vietnamese Stock Exchange. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(1), Pp. 47-58.
42. Khana, N. Sonti, R. (2004). Value creating stock manipulation: Feedback effect of stock prices on firm value. *Journal of Financial Markets*, 7, Pp. 237-270.
43. Kim, J. Li, Y. Zhang, L. (2010). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100 (3), Pp. 639-662.
44. Kim, J, Y. Li, L. Zhang (2011). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis, *Journal of Financial Economics*, Vol. 100, Issue. 3, Pp. 639-662.
45. Jensen. M. Meckling. W. (1976). Theory of the firm: managerial behavior. , agency costs and ownership structure *Journal of financial Economics*. 3: Pp. 305-360
46. JostKovermann. PatrickVelte(2019).
47. Oktaviani, R. M. Susanti, D. T. Sunarto, S. Udin, U. (2019). The Effect Of Profitability, Tax Avoidance And Information Transparency On Firm Value: An Empirical Study In Indonesia. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 8(11), Pp. 3777-3780.

48. Pohan, H. T. (2019). Analysis of the Influence of Institutional Ownership, TOBIN Q Ratio, Accrual Options, Tax Effective Rates, and Deferred Tax Costs on Tax Avoidance in Publi Companies. *Jurnal Informasi, Perpajakan, Akuntansi, Dan Keuangan Publik*, 4(2), Pp. 113–135. <https://doi.org/10.25105/jipak.v4i2.4464>
49. Saona, P. Muro, L. Alvarado, M. (2020). How do the ownership structure and board of directors' features impact earnings management? The Spanish case. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 31(1), Pp. 98–133. <https://doi.org/10.1111/jifm.12114>
50. Sarra, H. D. (2017). The Effect of Accounting Conservatism, the Audit Committee and the Independent Board of Commissioners on Tax Avoidance (Empirical Study of the Chemical and Metal Industry on the Indonesia Stock Exchange 2010-2014). *Competitive*, 1(1), Pp. 63–86. <https://doi.org/10.31000/competitive.v1i1.108>
51. Sunarto, S. Budiadi,W. Rachmawati, Meita, O. (2021). The Effect of Corporate Governance on Tax Avoidance:The Role of Profitability as a Mediating Variable. *Journal of Asian Finance, Economics and Business Vol 8 No 3*. 0217–0227
52. Abdelfattah,T. AboudA, A. (2020). Tax avoidance corporate governance, and corporate social responsibility: The case of the Egyptian capital market, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*.